

# علم أصول الفقه

٧

٩٣-٩-١٩ روش شناسی

دراسات الاستاذ:  
مهدي الهادي الطهراني

## أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ

• قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ قُلِ اللَّهُ يَهْدِي  
 لِلْحَقِّ أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي  
 إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ (٣٥)

## استقراء، روش نو در اصول

- نگاهی اجمالی به روش استقرایی

## استقراء، روش نو در اصول

- شهید صدر در کتاب الاسس المنطقيه للاستقراء در بدو ورود به بحث استقراء به دیدگاه منطق کلاسیک می پردازد و آن را مورد نقد قرار می دهد.

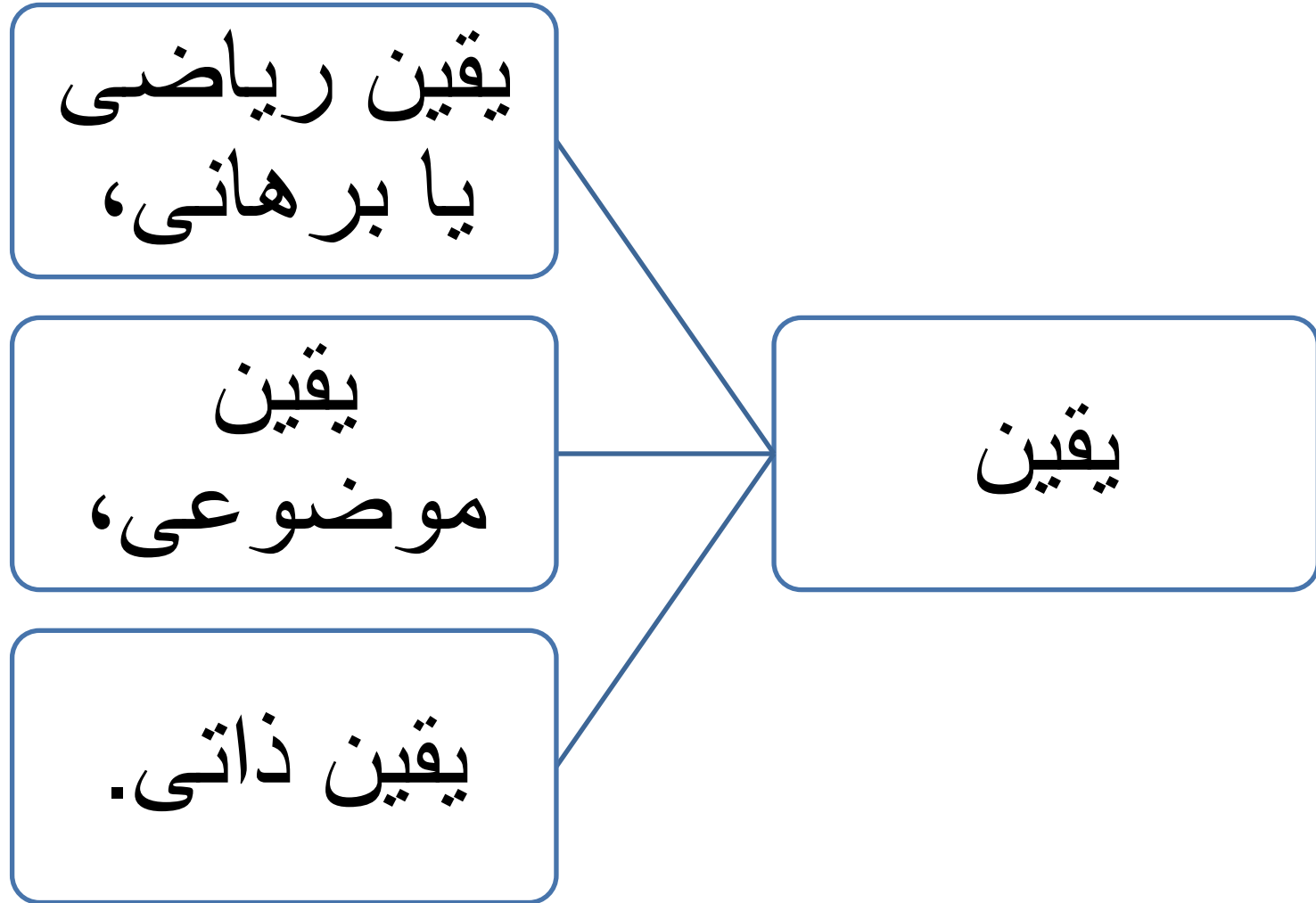
## استقراء، روش نو در اصول

- از نظر منطق کلاسیک - منطق ارسطویی - تنها استقراء تام که به قیاس برمی گردد، مفید یقین است. بنابراین در نظر آنها قیاس، مفید یقین است و استقراء یا تمثیل، مفید یقین نیست.

## استقراء، روش نو در اصول

- شهید صدر این مطلب را مورد نقد قرار می‌دهد و در نهایت می‌پذیرد که یقین قیاسی - یعنی همان که وی از آن به یقین ریاضی تعبیر می‌کند - صرفاً از طریق برهان قابل دستیابی است و از طریق استقراء قابل دستیابی نیست.
- اما ادعایی که شهید صدر در آن کتاب دارد و بر آن اصرار می‌ورزد، این است که استقراء مفید یقین است، هر چند این یقین، یقین برهانی یا ریاضی نیست.

# استقراء، روش نو در اصول



## استقراء، روش نو در اصول

- شهید صدر یقین را به سه قسم تقسیم می‌کند: ۱. یقین ریاضی یا برهانی، ۲. یقین موضوعی، ۳. یقین ذاتی.



## استقراء، روش نو در اصول

- مقصود وی از یقین ریاضی یا برهانی همان یقین به اصطلاح منطق ارسطویی است.
- بر اساس آن اصطلاح، یقین، اعتقاد جازم ثابت مطابق با واقع است که فقط از برهان به دست می آید.

## استقراء، روش نو در اصول

- مراد وی از یقین ذاتی، یقینی است که برای یک شخص به دلیل حالت خاص روانی‌اش حاصل می‌شود.
- گاهی از این یقین به یقین روان شناختی تعبیر می‌کنیم و در علم اصول از آن با عنوان قطع قطاع یاد می‌کنیم.
- در این حالت شخص به چیزی یقین پیدا می‌کند که برای دیگران مفید یقین نیست و این فقط به دلیل روحیه‌ی خاص و ویژگی روانی او است.
- بنابراین این یقین امری وابسته به شخص و برخاسته از ویژگی‌های شخصی او است.

## استقراء، روش نو در اصول

- بین این دو نوع یقین، یعنی یقین روان شناختی که کاملاً وابسته به شخص است و یقین برهانی یا ریاضی، شهید صدر یقین موضوعی را مطرح می‌کند. این یقین مستند به یک سری امور واقعی، خارجی و عینی است و در عین حال برهانی و ریاضی نیست.

## استقراء، روش نو در اصول

- در نظر شهید صدر استقراء مفید یقین موضوعی است. یعنی هر چند استقراء، یقین برهانی یا ریاضی را به ارمغان نمی آورد، اما در شرایطی می تواند مفید یقین موضوعی باشد.

## استقراء، روش نو در اصول

- شهید صدر برای توضیح این مطلب به شرح دو مبنا در بحث استقراء می‌پردازد. یکی از آن دو مبنا، مبنایی است که معمولاً در علوم تجربی مطرح می‌شود و همان بحث احتمالات است. بر اساس این بحث، تجمیع احتمالات باعث می‌شود که ما به یقین منتهی شویم.

## استقراء، روش نو در اصول

- شهید صدر در مقابل این نظر با اشکالی که فیلسوفان علم هم مطرح کردند، موافقت می‌کند و آن این که تجمیع احتمالات هیچ‌گاه ما را به یقین نمی‌رساند. تجمیع احتمالات نهایتاً می‌تواند ما را به ظن قوی برساند، اما مفید یقین نیست.

## استقراء، روش نو در اصول

- بحث نظریه‌ی احتمالات در ریاضیات و تقد مبانی این نظریه و طرح مبانی جایگزین از جمله مباحثی است که شهید صدر در کتاب الاسس المنطقیه للاستقراء به مناسبت ذکر می‌کند ولی آنچه در نهایت می‌پذیرد این است که از طریق حساب احتمالات نمی‌توانیم به یقین دست پیدا کنیم.
- حساب احتمالات در ما ظن قوی ایجاد می‌کند و افزایش این احتمالات باعث می‌شود ظن ما دایم تقویت شود، ولی هیچ‌گاه خود این به تنهایی ما را به یقین نمی‌رساند.

## استقراء، روش نو در اصول

- در قسمت بعدی کتاب، وی در جست-وجوی حلقه‌ی مفقوده‌ای است که به اعتقاد وی می‌تواند رابط بین آن ظن حاصل از حساب احتمالات و یقین موضوعی باشد.
- همان حلقه‌ای که پوپر در منطق اکتشاف علمی از آن به پارگی استقراء تعبیر می‌کند و می‌گوید: استقراء یک حلقه‌ی مفقوده، یک پارگی و یک شکافی دارد که قابل پر کردن و جبران کردن نیست. شهید صدر در کتاب خویش تلاش نموده این شکاف را پر کند.



## استقراء، روش نو در اصول

- در نظر شهید صدر در روش استقرایی ما از دو مرحله عبور می‌کنیم و به یقین می‌رسیم. مرحله‌ی اول ظن فزاینده‌ای است که محصول یک مطالعه‌ی استقرایی است. یعنی وقتی ما آن اطلاعات را به هم ضمیمه می‌کنیم، ظن ما افزایش پیدا می‌کند و این ظن دایم با افزوده شدن دانه‌های جزئی که آنها را استقراء می‌کنیم، رو به افزایش است.

## استقراء، روش نو در اصول

- مرحله‌ی دوم این است که ما از این ظن در حال افزایش به یقین دست پیدا می‌کنیم. به اعتقاد شهید صدر این یقین، یقین موضوعی است؛ نه یک یقین برهانی است و نه یک یقین وابسته به شخص و صاحب یقین.

## استقراء، روش نو در اصول

- بنابراین روش استقرایی بر حساب احتمالات مبتنی است. یعنی ما در هنگامی یک استقراء را استقراء می‌دانیم که با حساب احتمالات تقویت شود و ابتداءً به ظن در حال افزایش برسد و سپس به یقین منتهی گردد. در آن هنگام که به یقین می‌رسد، ما به آن استقراء می‌گوییم.

## استقراء، روش نو در اصول

- به عبارت دیگر شهید صدر مبنای استقراء را با مبنای حساب احتمالات در یک محدوده می‌داند و معتقد است استقراء بر اساس همان مبانی حساب احتمالات منتج نتیجه است.
- پس این دو از هم جدا نیستند که یکی را روش استقرایی بنامیم و دیگری را حساب احتمالات. استقراء همان احتمالات است. ما در هر استقرایی جزئیاتی را که احتمال هر یک از آنها به اندازه‌ی خاصی است، به هم ضمیمه می‌کنیم و با انضمام احتمالات جزئیات به یک نتیجه‌ی کلی دست می‌یابیم.

## استقراء، روش نو در اصول

- در انتهای کتاب، شهید صدر در صدد اثبات این مطلب برمی آید که اکثر معارف بشری از طریق استقراء به دست می آید و بر خلاف ادعای منطق ارسطویی، برهان و قیاس، منبع اصلی علوم بشری نیست. منبع اصلی علوم بشری در حوزه‌های مختلف، استقراء است.

نمونه هایی از کاربرد این روش در علم اصول فقه

- نمونه هایی از کاربرد این روش در علم اصول فقه

## نمونه هایی از کاربرد این روش در علم اصول فقه

- ۱. یکی از مواردی که شهید صدر از این روش استفاده کرده است، مطلبی است که قبلاً نیز به آن اشاره کردیم.
- همان طور که گفتیم در مباحث الفاظ، شهید صدر معتقد است با دو رویکرد می‌توانیم مسایل مربوط به الفاظ را در علم اصول مورد بررسی قرار دهیم:
- الف. **رویکرد کشفی** که در این صورت در صدد کشف معنای یک لفظ هستیم.
- ب. **رویکرد تفسیری** که در این صورت در مقام تفسیر یک پدیده‌ی لغوی هستیم.

## نمونه هایی از کاربرد این روش در علم اصول فقه

- در توضیح رویکرد تفسیری می‌گویند: در ابتدا ارتکازاتی را که در مورد یک لفظ وجود دارد، استقصا می‌کنیم. سپس از صحت این ارتکازات اطمینان حاصل می‌نماییم. در مرحله‌ی بعد نظریه‌ای برای تفسیر این پدیده‌ها عرضه می‌کنیم و بالاخره آن نظریه را به آزمایش می‌گذاریم تا دریابیم آیا این نظریه می‌تواند تمام این پدیده‌ها را تفسیر کند و آیا منتج آثاری که خارج از حیطه‌ی ارتکازات لغوی در مورد آن لفظ باشد، نیست؟



## نمونه هایی از کاربرد این روش در علم اصول فقه

- تعبیری که شهید صدر در این قسمت از بحث به کار می برد، چنین است: شیوه‌ای که اصولی در اینجا به کار می گیرد، شبیه شیوه‌ای است که عالمان علوم تجربی دارند. آنها هم مواردی را مشاهده می کنند و بعد از اتقان این مشاهدات و اطمینان نسبت به نتیجه‌ی مشاهدات، نظریه‌ای را برای تفسیر آنها مطرح می کنند و سپس به ارزیابی آن نظریه می پردازند.

## نمونه هایی از کاربرد این روش در علم اصول فقه

- این کار در خود علم تجربی به عنوان یک روش استقرایی مطرح است. زیرا ما به مواردی از مشاهده اکتفا می‌کنیم و با دیدن یک پدیده در چند مورد، اقدام به طرح یک نظریه برای تفسیر آن پدیده می‌نماییم.
- سپس وقتی این پدیده‌ها توسط این نظریه تفسیر می‌شود و پیش بینی‌های این نظریه در موارد دیگر با آزمایش مورد تأیید قرار می‌گیرد، این نظریه را به عنوان یک نظریه‌ی مقبول در آن مورد می‌پذیریم.

## نمونه هایی از کاربرد این روش در علم اصول فقہ

- طرح مسأله به این شکل و با این شیوه که شهید صدر عنوان می‌کند، در آثار اصولی گذشته وجود ندارد.
- البته قداما این روش را که وی به کار برده و مشابه روش علوم تجربی دانسته، به شکلی به کار گرفته‌اند، بدون این که با بحثی که شهید صدر مطرح کرده، درگیری پیدا کنند.
- ولی به هر حال طرح مسأله به عنوان روش تجربی و مقایسه‌ی کار اصولی با کار عالمان علوم تجربی مطلبی است که شهید صدر آن را طرح می‌کند.

نمونه هایی از کاربرد این روش در علم اصول فقه

- . ر. ک: سید محمد باقر صدر، بحوث فی علم الاصول، ج ۱، ص ۲۲۳.

## نمونه هایی از کاربرد این روش در علم اصول فقه

- ۲. در برخی موارد شهید صدر به صراحت عنوان می‌کند که ما در اثبات یک مسأله از روش استقرایی استفاده می‌کنیم.
- یکی از آن موارد، بحث امضای یک سیره است.
- وقتی مشاهده می‌کنیم که اصحاب زمان معصومان علیهم السلام نسبت به امری، سیره‌ای داشتند و سیره‌ی آنها مورد ردع و انکار ائمه علیهم السلام واقع نشده، نتیجه می‌گیریم شارع چنین سیره‌ای را پذیرفته است.

## نمونه هایی از کاربرد این روش در علم اصول فقه

- زیرا آنها به این شیوه عمل می‌کردند و این امکان برای آنها بوده که اگر نسبت به مشروعیت این شیوه تردیدی دارند، از خود معصوم علیه السلام بپرسند یا با واسطه پرسش را مطرح کنند و این احتمال که سؤال و پرسش در مورد سیره به ذهن همه‌ی آنها خطور نکرده یا همه‌ی آنها از سؤال غفلت کرده‌اند یا درست سؤال خود را نپرسیده‌اند یا در جست‌وجوی پاسخ به این سؤال نبوده‌اند، به حساب احتمالات منتفی است.

## نمونه هایی از کاربرد این روش در علم اصول فقہ

- طرح این بحث یعنی استفاده از حساب احتمالات برای انتفای یک مطلب از جمله اموری است که در آثار اصولی قبل از شهید صدر نمی بینیم. و فقط آنها که تحت تأثیر شهید صدر هستند به طرح این گونه بحث‌ها پرداخته‌اند.

نمونه هایی از کاربرد این روش در علم اصول فقه

- . ر. ک: سید محمد باقر صدر، بحوث فی علم الاصول، ج ۴، صص ۲۴۲ - ۲۴۴.



## نمونه هایی از کاربرد این روش در علم اصول فقه

- ۳. یکی دیگر از مواردی که شهید صدر در آن حساب احتمالات را به کار می‌گیرد، باز در همین بحث سیره است.
- در بحث سیره می‌پذیریم که اگر در زمان معصوم علیه السلام سیره‌ای وجود داشته که مورد قبول معصوم علیه السلام نبوده، حتماً ردع می‌شده است و اگر سیره‌ای ردع شده بود، حتماً خبر آن به ما می‌رسید.

## نمونه هایی از کاربرد این روش در علم اصول فقه

- سؤال مطرح این است که به چه دلیل این جمله‌ی شرطیه - اگر ردع شده بود، حتماً به ما می‌رسید - را می‌پذیریم؟ شاید سیره‌ی مورد نظر، ردع شده اما ردع آن در روایاتی ذکر شده که هرگز به ما نرسیده است. در طول تاریخ بسیاری از روایات محو شده و به ما نرسیده‌اند. شاید این ردع هم در زمره‌ی آنها بوده است.

## نمونه هایی از کاربرد این روش در علم اصول فقه

- شهید صدر در حل این مشکل، بحث حساب احتمالات را مطرح می‌کند. در نظر وی احتمال این که سیره‌ای به این شیوه وجود داشته باشد و ردع آن هرگز به ما نرسد، آنقدر کم است که به حساب احتمالات می‌توان آن را منتفی دانست.

نمونه هایی از کاربرد این روش در علم اصول فقه

- شهید صدر در ابعاد مختلف بحث سیره از حساب احتمالات و منطق استقراء بسیار بهره برده است.

## نمونه هایی از کاربرد این روش در علم اصول فقه

- ۴. شهید صدر در بحث محتوا و مفاد سیره نیز از روش استقرایی استفاده می‌کند. توضیح این مورد در قالب یک مثال چنین است: فرض کنید سیره‌ای به این مضمون داریم که متشرعه در هنگام وضو ملتزم نیستند تمام پشت پای خود را مسح کنند. یعنی سیره‌ی آنها در وضو مقید به این عمل - مسح تمامی پا - نیست. گاهی قسمتی از پشت پا را مسح می‌کنند و گاهی تمامی آن را. حال سؤال این است که آیا چنین سیره‌ای دلالت می‌کند بر این که مسح تمام پا واجب نیست؟ آیا این احتمال وجود ندارد که مسح تمام پا واجب است و اگر متشرعه گاهی تمام پا را مسح نمی‌کند به دلیل این است که به این واجب ملتزم نیست؟

## نمونه هایی از کاربرد این روش در علم اصول فقه

- شهید صدر می فرماید: دلالت این سیره بر عدم وجوب به حساب احتمالات ثابت می شود. بر اساس حساب احتمالات، این احتمال که چنین عملی واجب بوده و در عین حال متشرعه ملتزم به این واجب نبوده اند، منتفی است.

## نمونه هایی از کاربرد این روش در علم اصول فقه

- اگر یک نفر ملتزم نبود، این احتمال وجود داشت؛ اگر دو نفر ملتزم نبودند، این احتمال وجود داشت؛ اگر سه نفر ملتزم نبودند، این احتمال وجود داشت و... ولی وقتی می بینیم این عدد افزایش می یابد و به صورت یک روش عمومی در بین متشرعه درمی آید، این احتمال که مسح تمامی پا واجب بوده و اتفاقاً همگی آنها ملتزم به این واجب نیستند، از بین می رود. بلکه عقلاً ممکن است که هیچ یک از متشرعه به یک واجب ملتزم نباشند، اما به حساب احتمالات چنین چیزی ممکن نیست.

## نمونه هایی از کاربرد این روش در علم اصول فقه

- ۵. شهید صدر در بحث اجماع محصل نیز از حساب احتمالات استفاده می‌کند. می‌دانید اصولی‌های گذشته برای احراز اجماع راه‌هایی را بیان کرده‌اند.



## نمونه هایی از کاربرد این روش در علم اصول فقه

- مرحوم تستری در کتاب «کشف القناع عن وجه الاجماع» (پرده برداشتن از چهره‌ی اجماع) دوازده راه برای اجماع بیان نموده؛ اما هیچ اشاره‌ای به راه شهید صدر - استقراء و حساب احتمالات - نکرده است. شهید صدر در ضمن اشاره به دو راه از راه‌های گذشتگان، مطلبی را تحت عنوان مسلک سوم ذکر می‌کند و می‌گوید: اگر از طریق آرای فقها بخواهیم رأی معصوم علیه السلام را کشف کنیم، یک راه، حساب احتمالات است.

## نمونه هایی از کاربرد این روش در علم اصول فقه

- یعنی اگر فتوایی دال بر وجوب یک عمل باشد، احتمال این که این فتوا مطابق با واقع باشد، به اندازه‌ی این احتمال است که مطابق با واقع نباشد. یعنی ارزش احتمالی آن یک دوم است. حال اگر دو تا فتوا داشته باشیم ارزش احتمالی بنا بر آنچه در حساب احتمالات مطرح می‌شود، از یک دوم بیشتر می‌شود. هر چه تعداد فتواها افزایش می‌یابد، ارزش مطابقت فتوا با واقع نیز افزایش می‌یابد و این ارزش احتمالی به حدی می‌رسد که ما اطمینان می‌پاییم و یا یقین می‌کنیم این فتوا مطابق با واقع است و این همان رأی معصوم علیه السلام است. بدین ترتیب استقراء می‌تواند مبنایی برای حجیت اجماع باشد.

نمونه هایی از کاربرد این روش در علم اصول فقه

- این کتاب از نظر حجم به اندازه‌ی رسائل شیخ انصاری است و همه‌ی آن در مورد اجماع می‌باشد. خود شیخ انصاری بحث اجماع رسائل خویش را از روی آن نوشته است.

نمونه هایی از کاربرد این روش در علم اصول فقه

- . ر. ک: سید محمد باقر صدر، بحوث فی علم الاصول، ج ۴، ص ۳۰۹.

## نمونه هایی از کاربرد این روش در علم اصول فقه

- ۶. شهید صدر همین بحث را در مورد تواتر نیز مطرح می‌کند و می‌گوید: وقتی با خبری مواجه می‌شویم، احتمال این که مطابق با واقع باشد با احتمال این که مطابق نباشد، مساوی است. مخبر ممکن است راست بگوید و ممکن است دروغ بگوید.

## نمونه هایی از کاربرد این روش در علم اصول فقه

- وقتی خبر دو تا می شود و دو نفر از یک چیز به یک صورت خبر می دهند، احتمال صدق افزایش می یابد. وقتی تعداد مخبرین افزایش می یابد و به صدها و هزاران نفر می رسد، ارزش احتمالی صدق خبر نیز رو به فزونی می گذارد، تا جایی که اطمینان یا یقین پیدا می کنیم که این خبر مطابق با واقع است. در آن موقع به این خبر، خبر متواتر می گوئیم.

## نمونه هایی از کاربرد این روش در علم اصول فقه

- شهید صدر بعد از بیان مطالب فوق در مورد تواتر به این بحث می پردازد که تواتر و اجماع ویژگی های خاص خود را دارند و بر اساس آن، احتمال این که از طریق تواتر به یقین برسیم، بیش از احتمال این است که از طریق اجماع به یقین برسیم.

## نمونه هایی از کاربرد این روش در علم اصول فقه

- به عبارت دقیق تر در مقایسه با تعداد فتاوایی که ما را نسبت به حکم شرعی به یقین می‌رساند، با تعداد کمتری خبر به یقین دست می‌یابیم. پس اگر مثلاً با صد روایت از امام صادق علیه السلام یقین می‌کنیم که این خبر حتماً از امام علیه السلام صادر شده است، از طریق اجماع برای به دست آوردن نظر امام صادق علیه السلام در مورد مذکور و یقین به آن، به بیش از صد فتوا و مثلاً به پانصد فتوا نیازمندیم.



نمونه هایی از کاربرد این روش در علم اصول فقه

• ۷، ۸، ۹. بحث **اجماع منقول**، بحث **اجماع مرکب** و بحث **شهرت** نیز از دیگر مواردی است که شهید صدر روش استقراء را در آنها به کار می‌گیرد.

• ر. ک: سید محمد باقر صدر، بحوث فی علم الاصول، ج ۴، ص ۳۱۹.

• ر. ک: همان، ص ۳۱۷.

• ر. ک: همان، ص ۳۲۱.

## نمونه هایی از کاربرد این روش در علم اصول فقه

- ۱۰. مورد دیگری که در جمله‌ی موارد کاربرد استقراء نام می‌بریم، **اجرای اصول مؤمنه در اطراف شبهه‌ی غیر محصوره** است.
- همان طور که می‌دانید در بحث علم اجمالی می‌گوییم: شبهه یا محصوره است یا غیر محصوره.
- شبهه‌ی محصوره شبهه‌ای است که اطراف علم اجمالی در آن محدود است و شبهه‌ی غیر محصوره شبهه‌ای است که تعداد اطراف آن زیاد است.

## نمونه هایی از کاربرد این روش در علم اصول فقه

- سؤالی که در موارد شبهه‌ی غیر محصوره وجود دارد این است که آیا اصول مؤمنه در اطراف آن قابل اجرا است؟
- این بحث با فرض این مطلب است که اصول مومنه در اطراف شبهه‌ی محصوره جاری نیست.
- یعنی اگر می‌دانیم یکی از دو ظرف نجس است، در هیچ یک از آنها نمی‌توانیم اصالت حلیت را جاری کنیم.

## نمونه هایی از کاربرد این روش در علم اصول فقه

- در مورد اجرای اصول مؤمنه در اطراف شبهه‌ی غیر محصوره، بحث‌های زیادی بین اصولی‌ها در گرفته و آنها به روش‌های گوناگونی به این بحث پرداخته‌اند.

## نمونه هایی از کاربرد این روش در علم اصول فقه

- روشی که شهید صدر در اینجا به کار می‌گیرد، روش استقرایی و حساب احتمالات است. وی می‌گوید: وقتی میزان معلوم ما در مقابل تعداد اطراف علم اجمالی ما اندک باشد، احتمال این که معلوم ما در یک طرف خاصی که ما روی آن دست می‌گذاریم، تحقق پیدا کند، کاهش می‌یابد به اندازه‌ای که ما می‌توانیم اطمینان پیدا کنیم که این طرف، طرفی نیست که معلوم ما در آنجا تحقق دارد.

## نمونه هایی از کاربرد این روش در علم اصول فقه

- مثلاً فرض کنید می‌دانیم ذبح یکی از گوسفندانی که امروز در شهر قم ذبح شدند، شرعی نیست. نسبت این تعداد معلوم یعنی «یک» در مقایسه با تعداد گوسفندانی که امروز در قم ذبح شدند، که مثلاً هزار تا است، آن قدر کم است که اگر بخواهیم قطعه‌ای گوشت از یک مغازه بخریم و دست روی گوسفند خاصی بگذاریم، احتمال این که این گوسفند همان گوسفند مذکور باشد، بسیار اندک است.

## نمونه هایی از کاربرد این روش در علم اصول فقه

- ما ۹۹۹ به هزار احتمال می دهیم که ذبح گوسفند مقابل روی ما شرعی و یک به هزار احتمال می دهیم که غیر شرعی باشد. از این رو، اطمینان داریم که این گوسفند، آن گوسفندی نیست که ذبحش شرعی نبود.

نمونه هایی از کاربرد این روش در علم اصول فقه

- شهید صدر با این بحث در واقع دو مطلب را با هم مطرح می‌کند: یکی این که مقصود از شبهه‌ی غیر محصوره چیست، دوم این که چرا در اطراف شبهه‌ی غیر محصوره اصول مؤمنه جاری است.



## نمونه هایی از کاربرد این روش در علم اصول فقہ

- بر اساس بیان وی مقصود از شبهه‌ی غیر محصوره، شبهه‌ای است که تعداد اطراف آن در مقایسه با میزان معلوم به قدری زیاد باشد که بر هر طرف خاصی از اطراف شبهه که دست بگذاریم، اطمینان داشته باشیم این مورد خارج از معلوم ما است. بنابراین اگر اطراف شبهه، هزار گوسفند ذبح شده و معلوم ما پانصد عدد بدون ذبح شرعی باشد، احتمال این که هر یک از گوسفندانی که می‌خواهیم استفاده کنیم، همان گوسفندی باشد که ذبحش شرعی نیست، یک دوم است. و این حالت همانند آنجا است که دو گوسفند ذبح شده داشته باشیم که می‌دانیم یکی از آنها ذبحش شرعی نیست.

## نمونه هایی از کاربرد این روش در علم اصول فقه

- قبل از شهید صدر معیار را در شبهه‌ی غیر محصوره این می‌دانستند که اطراف شبهه زیاد باشد و فقط همین را در نظر می‌گرفتند. اما شهید صدر با طرح مسأله‌ی حساب احتمالات و روش استقرایی، میزان معلوم را در مقایسه با اطراف علم در نظر گرفت و معیار شبهه‌ی غیر محصوره را در نسبت این میزان دانست. در نتیجه ممکن است در یک جا اطراف، هزار باشد و شبهه غیر محصوره باشد و ممکن است در جایی دیگر اطراف، هزار باشد ولی شبهه محصوره باشد. محصوره بودن یا نبودن تابع میزان معلوم ما است.

## نمونه هایی از کاربرد این روش در علم اصول فقه

- از آن سو، وی این نتیجه را هم گرفت که علت جریان اصول مؤمنه در اطراف شبهه‌ی غیر محصوره این است که در آنجا احتمال این که هر یک از این اطراف همان معلوم بالاجمال باشند به قدری اندک است که اطمینان داریم خارج از معلوم بالاجمال ما است.
- این روشی که شهید صدر برای حل مسأله‌ی شبهه‌ی غیر محصوره، در بحث علم اجمالی پیش گرفته، روشی است که قبل از ایشان کسی مطرح نکرده است.

## نمونه هایی از کاربرد این روش در علم اصول فقہ

- . ر. ک: همان، ج ۵، ص ۲۳۰.
- . مراد از اصول مؤمنه اصولی است که انسان را در مقابل عقاب ایمن می‌کند. اصالت براءت، اصالت طهارت، اصالت حلّیت و اصولی از این جمله که نافی تکلیف یا نافی الزام هستند، اصول مؤمنه نام دارند.